

از سویی هم ممکن بود دانستن این موضوع برایش چندان خوب نباشد به همین علت از خانواده‌اش خواستم تا بعد از فیلم موضوع را برای او به شکلی که مناسب می‌دانند توضیح دهند و سن بازبگر نیز در زمان فیلمبرداری‌ها با سن کاراکتری که بازی می‌کرد یکی بود یعنی بین ۱۰ تا ۱۱ سال بودند.

سخن پایانی

دوست دارم در پایان از عوامل فیلم، آرمان فیاض که بعد از این فیلم برای فیلم دیگری سیمیرغ فیلمبرداری گرفت، عماد خدابخش او هم برای اثر دیگری سیمیرغ دریافت کرد، مجید نجاتی و سامان شهامت تشکر کنم و از مردم می‌خواهم که این بسته بدون تعارف جذاب را ببینند چرا که امکان ندارد دیگر چنین بسته‌ای تکرار شود و فکر نمی‌کنم دیگر هیچ برنده سیمیرغی فیلمش را ۵ سال نگه دارد تا در چنین قالبی آنرا ارائه دهد به همین دلیل ما بسته‌اکران سیمیرغ را ویژه‌ترین اکران هنر تجربه می‌دانیم.

محمد علیزاده فرد کارگردان فیلم کوتاه شریف:

وقتی داستان جذاب باشد دیگر مدیوم فرقی ندارد

مسیر سینمایی شما چگونه آغاز شده است؟

من فارغ التحصیل رشته ادبیات نمایشی از دانشکده صدا و سیما در مقطع ارشد هستم و در دوره‌های سینمایی دیگری که وجود داشت شرکت می‌کردم تا بتوانم با افراد دیگری که در این حوزه فعالیت می‌کنند ارتباط بگیرم و از آن پتانسیلی که در دوستان دیگر هست برای فیلم‌هایم استفاده کنم. در مسیر فیلمسازی مانند بسیاری از افراد دیگر در فیلم‌های اولم مجبور بودم که به صورت شخصی هزینه کنم چرا که بیشتر فعالان این حوزه مجبور هستند خودشان هزینه کنند تا بتوانند چیزی بسازند و اثبات کنند که در این زمینه توانایی دارند. بعد از آن چند فیلم با حوزه هنری در باشگاه فیلم سوره کار کردم و دو فیلم بلند به نام‌های «تراوا» و «راحیل» ساختم و «شریف» آخرین فیلم من بعد از دو فیلم بلندم است. در واقع من یک بار به سمت سینمای بلند رفتم و دوباره به ساخت فیلم کوتاه بازگشتم چرا که ایده و داستان «شریف» برایم بسیار جذاب بود و وقتی داستانی برایم جذاب باشد دیگر برایم فرقی ندارد که مدیوم، فیلم کوتاه باشد یا فیلم بلند.

روایت رفاقت قدیمی در فیلم «شریف» چگونه شکل گرفت؟

فیلمنامه و ایده‌اش نیز از آنجا شکل گرفت که ما با تعدادی از دوستانمان سال‌ها پیش در یکسری جلسه دورهمی برای دیدن و تحلیل فیلم‌های اغلب کوتاه جمع می‌شدیم و اگر ایده‌ای داشتیم بیان می‌کردیم و باقی دوستان نظر می‌دادند. در یکی از این جلسات یکی از دوستانمان به نام آقای مجیدپور ایده اولیه و طرح «شریف» را بیان کردند و من از ایده بسیار خوشم آمد. پس از آن وارد فرایند نوشتن شدیم و با کمک و مشورت یکدیگر ایده را پیش بردیم تا به نسخه اولیه فیلمنامه رسیدیم. من چندین بار نسخه اولیه را بازنویسی کردم تا به متن نهایی که امروز با آن مواجه هستیم رسیدیم.

باز خورد شریف از شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی چگونه بوده است؟

شریف در بخش رقابتی جشنواره سینمایی ایتالیای ایتالیا شرکت کرده که جزو جشنواره‌های رده A ایتالیا است اما ما پخش بین‌المللی فیلم «شریف» را تازه آغاز کرده‌ایم به همین علت هنوز جواب بسیاری از جشنواره‌ها نیامده است.

نظر تان در مورد تأثیری که بسته‌اکران فیلم کوتاه «سیمیرغ» بر دیده شدن این آثار دارد چیست؟

تکرار اتفاقی که در مورد فیلم‌های ما افتاده تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسد چرا که کرونا شرایطی را در زمینه اکران‌ها ایجاد کرد که حتی فیلم‌های بلند و کم‌دی نیز زمین خوردند و در آن شرایط کسی سینما نمی‌رفت و عادات زندگی مردم تغییر کرده بود به همین خاطر بسیاری از فیلم‌ها ماندند و زمانی که فیلم‌های بلند از پس اکران بر نیایند طبیعتاً فیلم‌های کوتاه نیز در آن ایام اکران موفقیتی نخواهند داشت. زمانیکه شرایط اکران فراهم شد و فضای

سینما دوباره رونق گرفت امکان اکران در بسته‌ای به نام «سیمیرغ» برای این فیلم‌ها بوجود آمد. همین موضوع این بسته را خاص می‌کند و قطعاً در دیده شدن این آثار کمک کننده خواهد بود چرا که برای مخاطب نیز جذاب است که بدانند در چهار پنج سال اخیر در جشنواره فجر کدام آثار کوتاه حائز رتبه شدند و اینکه می‌تواند همه آنها را کنار هم در یک بسته ببیند که نزدیک به هفتاد دقیقه زمان می‌برد جذابیت دیگری برای او خواهد داشت.

سخن پایانی

از گروه هنر تجربه تشکر می‌کنم که این بسته را برای دیده شدن فیلم‌های کوتاه فراهم کرده است. یکی از جذاب‌ترین مراحل فیلمسازی مواجهه اثر با مخاطب است و در فیلم کوتاه معمولاً این اتفاق کمتر رقم می‌خورد ولی به لطف گروه هنر و تجربه مخصوصاً آقای محمد طیب و حمایت‌هایی که از بچه‌های فیلم کوتاه انجام می‌دهند برای ما نیز فرصتی به وجود آمده تا بتوانیم با مخاطب مواجهه مستقیم داشته باشیم و واکنش مخاطب را نسبت به آثارمان ببینیم.

محمد ثریا کارگردان فیلم برونو:

فیلم کوتاه می‌تواند به انسان امروز کمک کند

از ورود تان به عرصه فیلمسازی بگوئید.

در شروع کار فیلمسازی‌ام از جمله دانشجویان کانون سینماگران جوان و انجمن سینمای جوانان بودم و تحصیلات دانشگاهی‌ام نیز در زمینه کارشناسی کارگردانی بود. با تصویربرداری فیلم‌های مستند و کوتاه وارد عرصه هنر شدم و پس از نگارش چند فیلمنامه اولین کار حرفه‌ای خود را سال ۹۰ با فیلم کوتاه «ماهی‌ها نام ندارند» آغاز کردم و بعد از آن با ساخت فیلم‌های کوتاه «امضا»، «عاشق»، «مسکوت» و «گلدسته‌ها» این مسیر را ادامه دادم. «برنوم» آخرین فیلم کوتاهی است که ساختم که توانست سال ۱۴۰۱ برنده سیمیرغ جشنواره فجر شود.

چه شد برای این فیلم به انتخاب یک سوژه از فرهنگ بختیاری رسیدید؟

من سالیان سال به خاطر فیلمبرداری مستندهایی که با مرتضی شهبازی که خودش فیلمساز است در مورد مردمان بختیاری کار کردم خیلی به این اقوام نزدیک شدم و آشنایی عمیقی با آنها پیدا کردم. من به عنوان فیلمبردار، این موضوع را از دل زندگی آنها برداشتم و به صورت مشترک با آقای مرتضی شهبازی آن را نوشتیم.

«برنو» به نقد یک سری از سنت‌ها می‌پردازد جامعه را تا چه حد آماده دیدن و شنیدن این نقدها می‌بینید؟

حرفی که ما در «برنو» زده‌ایم حرف جدیدی نیست و بیش از این نیز بیان شده و یکی از خوبی‌های اقوام ایرانی بخصوص روشنفکران، تحصیلکرده‌ها و الیت این جوامع این است که خودشان نیز به این درک رسیده‌اند که فولکلورهای اشتباه و غلط زیادی بخصوص در دوران معاصر و با وجود اسلحه «برنو» وارد باورهای آنها شده است و این باورها تبدیل به فولکلور شده و باعث می‌شود که جدا کردن آن از باورها و فرهنگ غنی این منطقه سخت باشد و هنوز که هنوز است در روستاها این امر برای مردمان مان‌آزار دهنده است و حس می‌کنند مجبور هستند و باید به باورها و سنت‌هایی که به غلط وارد فرهنگشان شده پایبند بمانند. اقوام ایرانی مخصوصاً بختیاری‌ها زیبایی بسیاری دارند مثل مراسم و لباس‌هایی که می‌پوشند که در فیلم هم به برخی از آنها مثل چوب بازی، دستمال بازی، عقدکنان و حنابندان اشاره شده است. همینطور لباس‌های بسیار زیبایی که این اقوام به تن می‌کنند اما این سنت اسلحه «برنو» با ورودش اتفاقاتی را رقم زده است که برای قشر تحصیل کرده و دارای تفکر آزار دهنده است و اگر این رسوم را انجام ندهند گویی به آشنایان، اقوام و اهالی منطقه توهین کرده‌اند در صورتی که این سنت‌ها همه به غلط است و دارد زندگی‌ها را نابود می‌کند.

به نوعی می‌توان آنها را شبه سنت دانست یعنی عاداتی هستند که به زور خود را لابلای سنت‌های حقیقی ما گنجانده‌اند.

بله دقیقاً متأسفانه خود اقوام این مسائل را به عنوان سنت

پذیرفته‌اند و در باور علمی و درست این قضیه قابل قبول نیست که یک فولکلور غلط خودش را کنار فولکلورهای صحیح قرار دهد. به هر حال مریم قصه ما که یک زن شهری تحصیل کرده است همه فولکلورها را قبول می‌کند به جز این فولکلور نهایی که نسبت به آن اعلام نارضایتی می‌کند. قباد قصه ما که خود از اهالی همانجا و بختیاری است با اینکه تحصیل کرده نیز هست اما در باور ذهنی‌اش فکر می‌کند که اگر این اسلحه را شلیک نکند ممکن است هرگز بچه‌دار نشود و در شک و تردید به سر می‌برد که اگر این رسم را انجام ندهد ممکن است زندگی‌اش از هم بپاشد و اساساً با حرف و نظر اهالی، خانواده و دوستانش باید چه کند. زن اصولاً در «برنو» مسئله‌اش با شلیک نشدن این تفنگ است و در اصل می‌خواهد غلط بودن این باور را به قباد ثابت کند و به او انگیزه بدهد تا اولین کسی باشد که به باورهای غلط نه می‌گوید.

«برنو» در جشنواره جهانی به موفقیتی دست پیدا کرده است؟

پخش بین‌المللی «برنو» به تازگی آغاز شده و خوشبختانه به لطف خدا توانست در اسپانیا جایزه کارگردانی را بگیرد و خدا را شکر این فیلم به واسطه دوستان و همکاران خوبی که در گروه ما داشتیم دیده شد. همکارانی مثل مدیر فیلمبرداری آقای بهروز بادوج، تدوینگر پویان شعله‌ور، بازیگر خوبم حسن عسگری و بهترین طراح صحنه‌ای که توانستم با او همکاری کنم که خودش نیز از اقوام بختیاری است یعنی خانم اشرف شاه‌حسینی و تهیه‌کننده کار هم خودم بودم چرا که کار دو بار در انجمن رد شد و فقط توانستم حمایت پس از تولید و ساخت فیلم را دریافت کنیم که حدود یک سوم بودجه فیلم بود.

جذابیت بسته «سیمیرغ» برای مخاطب چه خواهد بود؟

حقیقتاً فیلم‌های متنوعی در این باکس اکران وجود دارد. فیلم‌هایی که انتخاب اول هیئت‌های مختلف سال‌های متفاوت جشنواره فجر بوده‌اند. مزیت این باکس این است که هیچ کدام از این فیلم‌ها به صورت عمومی اکران نشده‌اند. فیلم کوتاه می‌تواند به انسان‌های امروز با توجه به دغدغه‌ها و استرس‌هایی که دارد کمک کند. سریع و کوتاه دیدن و حرف درست شنیدن از یک فیلم کوتاه مسلماً زمان مخاطب را هدر نمی‌دهد و حتی اگر مخاطب از فیلمی در این باکس خوشش نیاید فقط با کمی صبوری به فیلم بعدی می‌رسد. این باکس به آقای ابوالفضل جلیلی به عنوان سینماگر مستقل و مؤلفی که بسیاری از فیلم‌هایش در ایران اکران نشده تقدیم شده و ما دوست داشتیم برای تقدیر از این فیلمساز زنده و برای اینکه یادی از او کرده باشیم بسته «سیمیرغ» را به او تقدیم کنیم و به خاطر ادای احترام به ایشان در پایان هر فیلم یک تکه از فیلم‌های آقای جلیلی را گذاشته‌ایم.

سخن پایانی

خوشحال می‌شویم که مخاطبان از ما حمایت کنند البته که بیشتر باید دولت شرایط این حمایت را فراهم کند. همسانی قیمت بلیط‌های فیلم‌های کوتاه با فیلم‌های بلند به نظرم درست نیست و شرایط را سخت می‌کند. فکر می‌کنم دولت در این زمینه باید سوبسیدی در نظر بگیرد و اینجاست که باید حمایت خود را نشان دهد اما تا این لحظه این امر محقق نشده است. کمک انجمن سینمای جوانان نیز بیشتر در شهرستان‌ها و از طریق سینماهای سیار و ورکشاپ‌هایی که بعد از هر فیلمی برگزار می‌شود بوده است. از فیلم‌های ما به شکل رسمی حمایت مالی نشده است تا ما بتوانیم تبلیغاتی انجام دهیم و مخاطبان بیشتری را به سالن بیاوریم. واقعا امیدواریم که شهرداری‌ها در این زمینه مشارکت کنند. به هر حال ما به عنوان فیلمسازان این کشور حق داریم که بیلوردی مثل فیلم‌های بلند در سطح شهر داشته باشیم و این برای فیلم کوتاه و فیلمسازان مستقلی مثل ما که تهیه‌کننده اصلی خودمان هستیم بسیار مفید خواهد بود. این حمایت‌ها باعث می‌شود ما بتوانیم در سطح شهر برای این باکس اکران اطلاع‌رسانی خوبی انجام دهیم به هر حال در این باکس ۴ فیلم که از بهترین فستیوال ایران جایزه برتر دریافت کرده‌اند حضور دارند و اگر دولت در این زمینه ما را حمایت کند مطمئن باشید که مردم استقبال خوبی از آثار خواهند داشت امیدوارم که برای سینمای کوتاه ایران در ادامه این مسیر اتفاقات خوبی بیافتد.